بیانیه قیام پنجم بهمن آمل

"قدرت سیاسی از لوله‌ٔ تفنگ بیرون میآید"، بدون اعمال قهر انقلابی هیچ طبقه و ملتی نخواهد توانست حقوق پایمال شده‌ٔ خود را از چنگال خیانتکاران بیرون کند. تاریخ بشریت، تاریخ جنگ طبقات و مبارزه‌های خونین بین مرتجعین حاکم و رنجبران محکوم است. این روندی چون و چرا و همیشگی و همه‌جائی تاریخ است.

آزادی را حز در پرتو آتش توپ انقلابی، جز در پرتو خاکستر شدن بی محابا و حز در سایه‌ٔ یورش بردن دلیرانه به کاخ ظلم و بیداد نمیتوان بدست آورد. با دشمنان آزادی تنها با زبان گلوله میتوان سخن گفت و بر این حکم نیز تجربه‌ٔ اسارت و آزادی خلق ها میر تاکید نهاده است.

رژیم خونخوار و جنایت پیشه‌ٔ خمینی، یکی از تبهکارترین و فاسدترین رژیم‌های تاریخ، ریشه از آزادی کش‌ترین و درنده‌خوترین رژیم‌های تاریخ، این بی مانده‌ٔ عفونت گرفته‌ٔ لاشه‌ٔ حاکمیت‌های قرون وسطی، این نتیجه‌ٔ شوم پیوند جهل و قساوت رژیم فاجار و فریبکاری و خودفروشی رژیم سلطنتی، امروز بر سر نوشت ملت و میهن ما حاکم گشته و بدتر از هر بیگانه‌ٔ سلطه‌گری بر مردم ما می تازد. و با سخ چنین نظامی مدتها را حز با زبان گلوله و همت و خشم انقلابی توده نتوان داد. و

قیام پنجم بهمن آمل حرکتی بود عظیم در این جهت و تجربه‌ای ساخت شگرف و سترگ برای همه‌ٔ آنهائی که نمیخواهند به اسارت و بردگی دهند و برآنند که آزادی را به قیمت خون به چنگ آرند.

سربداران ایران افتخار میکنند که در چنین دورانی، دوران یورش بیرحمانه‌ٔ رژیم خمینی به نیروهای انقلابی و دورانی که هر روز خون دهها رزمنده‌ٔ دلیر بدست جلادان این رژیم بر خاک می ریزد، و خونخواران حاکم برآنند تا با کشتار روحشیانه‌ٔ فرزندان خلق تخم یأس در دلها بپاشند، اینچنین حماسه‌ٔ بزرگی را خلق کردند.

* * * *

سربداران ایران که از آغاز این روز حرکت خود، بر آن بودند که رژیم خیانت پیشه‌ٔ خمینی را با قیام در شهرها بیدبسه گور بسپرد، با بهمن، ماه قیام خونین خلق و با برانداری نظام منحط و فرتوت شاهی را برای آغاز قیام خود در شهر آمل برگزیدند. نیروهای سربداران دنبال یک ماه نظامی و پشت سر گذاشتن "حلقه محاصره"ای که رژیم خمینی کوشیده بود پس از شکست مفتضحانه‌اش در ۲۲ آبان به گرد ما بوجود آورد ساعت ۴/۵ صبح روز پنجم بهمن وارد آمل شده و تا ساعت ۹/۵ شب در سطح شهر مستقر گردیدند. درگیری ما با نیروهای دشمن پیش از ساعت ۱۲ آغاز شده، در ظرف مدتی کمتر از یک ساعت دلاوران سربدار تمامی سطح شهر را از لوث وجود مزدوران خمینی پاک‌سازی کردند. تمامی کمیته‌ها، همه‌ٔ انجمن اسلامی ها و تمام لانه‌های فساد خائنین مدافع نظام حاکم در مدتی کوتاه برچیده شد و تمامی جنایتکاران به سزای خیانت‌های خود رسیدند. آنهائی که مقاومت کردند با آتش قهر سربداران نابود شدند و آنهائی که زنده دستگیر شدند، در دادگاه‌های انقلابی که برای

www.iran-archive.com

نیها شی اش را مردم صادر میکردند ،به محاکمه کشیده شده مجازات لازم را دیدند .از این دسته ۲۳۰ نفر با رای وتصمیم مردم بوسیله‌ٔ نیروهای ما اعدام گردیدند .درست یک ساعت پس از آغاز عملیات ما تمامی شهر آمل از آلودگی کثافات سیاهی و حزب الهی پاکسازی شده بود ،وکوچه‌ها وخیابان های شهر شاهد سمت وصدا پذیر مردمی بود که دیگر سنگینی خفه کننده‌ٔ جنگال جاسوسان خمینی را برحلقوم خود حس نمیکردند .ما قصد داشتیم مقرهای دشمن نظیر سپاه پاسداران ،بنیج ،بیدادگاه انقلاب ،وروابط عمومی را نیز بر سر موجودات پلیدی که در آنها لانه گرفته بودند ویران سازیم ،لیکن مسئله‌ٔ وجود زندانیان سیاسی در تمام این مقرها واحتمال آسیب رسیدن به آنان ما را برآن داشت که این مقرها را تنها محاصره کرده به مجازات عناصری که برای کمک بدانجا روی می آوردند ،یا از آنجا خارج میشدند ،بپردازیم وچنین شد .ساعت ۲/۵ بعداز نیمه شب محافظین ونگهبانان این مقرها نیز همه به سزای خیانت های خود رسیده بودند . تیربار بالای بیسیم تیربار چی واطاقکش هم با یک موشک آر .پی .جی دود شده وبه هوا رفته بود ودیگر هیچ صدائی از هیچیک از این مقرها نیز بیرون نمی آمد . از این پس ما در چند محله شلوغ وپرجمعیت شهر: قادی محله ،اسپه کلا و رضوانیه مستقر شده وبه کار تبلیغی پرداختیم .بسرعت برق انجمن های اسلامی ودرودیوارهای بسیاری از خیابان ها وکوچه‌ها از عکس های روبان جمهوری اسلامی ،خمینی ، بهشتی ، رفسنجانی ،رجائی و...پاکسازی شده واوراق تبلیغاتی وپوسترهای شان در وسط خیابانها به آتش کشیده شد ،وشعارهای "مرگ برخمینی" ،"زنده باد آزادی"، "زنده باد سربداران" ،"یا مرگ یا آزادی" نقش آفرین دیوارها گردید وبا رنگ برطنین "مرگ برخمینی" درکوچه و خیابان پیچیدن گرفت .

استقبال مردم قهرمان آمل از این حرکت ما وشرکت فعالشان در آن مافوق تصور خود ما بود .برای نمونه بگوئیم سنگربندی های محلات وکوچه‌ها وخیابانهائی که ما در آنها مستقر بودیم حتی یک مورد ش توسط سربداران صورت نگرفت ، همه‌ٔ سنگرها را مردم وبویژه جوانان بستند ،از همان لحظات اول جوانانی از ما طلب اسلحه مینمودند وما نیز که در جریان پاکسازی شهر مقادیر قابل توجهی سلاح بدست آورده بودیم ،برخی از آنان را مسلح کردیم .شور وشعف ناشی از ورود سربداران به شهر در همه جا دیده میشد وهمه با جان ودل آماده‌ٔ همکاری ویاری بودند .وجوانانی در همان آغاز کار به همسنگران همیشگی ما تبدیل گردیدند .

خمینی خیانتکار خیلی میکوشد از مردم ما جاسوس و ضدانقلابی بسازد .اما شرافت این مردم برتر از آنست که همه‌ٔ تلقینات زهرآگین این یک مشت ملای جلاد وآبروباخته هیچ تاثیری برآن بگذارد .خاشنین تبهکاری که دشمنی شان با آزادی وآزادگی ودلباختگی شان به جهل وفساد وواپسگرائی چشم بشریت را خیره ساخته است ،خیلی میکوشند مردم دلاور وآگاه ما را به ضدیت با انقلاب وانقلابیون وادارند ،لیکن دانائی وشورآزادیخواهی مردم ما بس فراتر از آنست که حربه های پوسیده وزنگ زده‌ٔ این بقایای جهل وفساد قرون وسطائی در آن ذره‌ای کارگر افتد .واین همه را قیام پنجم بهمن آمل بروشنی روزنشان داد .شوروولداد گی مردم قهرمان نسبت به فرزندان سربدارشان وابستادگی وفداکاری دلاوران سربدار در راه این مردم صحنه‌هائی آفریدکه تاریخ ما برای همیشه آنها را ثبت خواهد کرد .مردم دلاور آمل از همان لحظات آغاز، یک شبکه‌ٔ خبررسانی برای ما تشکیل دادندوهر اتفاقی در هر گوشه‌ٔ شهر رخ داد بسرعت خبرش را بگوش رفقای ما رساندند. تک تک جاسوسان دشمن را که احیانا هنوز باقی مانده بودند درکوچه وخیابان وخانه‌هاشان معرفی کردند .جوانان به ساختن سنگر ،پرتاب سه راهی ،پرکردن خشاب های خالی رفقای ما در سنگرها و...،پرداختند وهیچکس از هیچگونه همکاری دریغ نورزید .وهمین هم بود که جانیان حرفه‌ای در پناه ولایت فقیه پس از عقب نشینی ما با مردم این محلات رفتاری کردند که روی رفتار مغولها وسالداتهای روس با مردم ایران را سفید کرد .

دشمن وقتی مزدوران خود را در شهر آمل کاملا نابود شده یافت ،کوشید تا از گوشه وکنار منطقه هرچه میتواند نیرو گرد آورد وبا سرعت ودستپاچگی تمام انجمن اسلامی های تمام شهرها وروستاهای منطقه وارتباش حزب الهی اش را از همه‌ٔ شهرها با وانت ومینی بوس و...به اطراف شهر کشاند .نیروهائی که گرد مناطق استقرار ما را گرفتند از بابل ،محمود آباد، بابلسر ،ساری ،قائمشهر ،بهشهر ،شیرگاه و...،بدانجا کشانده شده بودند وعزاداری ها وتشییع های بعدی معدومینشان نیز نشان داد که بچه وسعتی به بسیج نیرو پرداخته بودند. دیوانه‌ٔ عقده‌ای ،هادی غفاری با ۳۰۰ نفر از چماقداران حرفه‌ئی اش ،بوسیله‌ٔ هوا پیما از تهران خود را به آمل رسانده بود .وبا چنین نیروئی که به مرز ۳۰۰۰ نفر مسلح ومجهز در پیرامون ودرون شهر میرسید با اصطلاح حمله به ما ودر واقع سوزاندن وغارت کردن خانه‌های مردم را شروع کردند . تمام سربداران لرزه براندام این جانیان می افکنند .حزب الله تا کنون یکی دوبار ضربشست سربداران را چشیده بود وخیلی از نورچشمی های پیش را در روبارو شی با دلاوران سربدار از دست داده بود .ودر اینجا دیگر تنها سربداران هم نبودند که با بدیده جنگشان میرفت ،مردم دلاور آمل نیز در بیوند ناگسستنی با فرزندان سربدارشان درمیدان بودند .پس بایدهم از مرده زهرچشم گرفته میشد .هم دور ادور با سربداران درگیری میشد. فردورترین نقاط شهر از مناطق استقرار نیروهای ما ،برسر خیابان های اصلی سنگر ساختند وتیربار ۲۳ وکالیبر ۵۰ گذاشتند وبطوریکه هدف همه چیز را دور ادور به آتش بستند وزیر حمایت این آتش ارادل حزب الهی به خانه وزندگی مردم حمله ور شدند . ابتدا درحیاط خانه‌ها نارنجک می انداختند که بسیاری از خانه‌های مردم منفجر شد ،بآتش گرفت . سپس وقتی مطمئن میشدند کسی در آن نیست نزدیک شده ،در را شکسته وسر روی پشت بام سنگر میساختند .درحمله مورد کسانی را که مانع ورود آنها به خانه‌هاشان میشدند بدرگیا ربستند ،از حمله پیرزنی ۷۰ ساله را ، جنایات ایشان درحق مردم در مناطق پیرامون محلات استقرار ما روی جنگیزیان را سفید کرد . بعد از ظهر روز ششم خبر از حملات وحشیانه‌ٔ اینان به مردم ،سوزاندن

www.iran-archive.com

خانه‌ها و رکبار بستن در جمعیت ها بسیار شد. از سوی دیگر نیروئی که ما در آنجا آرا پیش داده بودیم، از لحاظ کمی بسیار نیروئی که دشمن بر سر ما آورده بود بسیار متفاوت و نابرابر بود. این شد که عصر گاه روز ششم تصمیم گرفتیم حزب الله را به باغ های اطراف شهر بکشیم و اینگارا راکردیم. قهرمانان سربداران با تاکتیک تهاجم و عقب نشینی و گشتار بسیاری از جاسوسان حزب اللهی و سیاه در کوچه‌ها و محلات استقرار خسود آرام آرام نیروهای دشمن را به باغهای سمت جنوب شهر کشاندند. در این جریان عقب نشینی رفقای دلاور ما قهرمانی هائی از خود بروز دادند که برای تمام انقلابیون جهان نمونه و سرمشق ساخت. پس از این عقب نشینی و در این باغها بود که مصاف واقعی صورت گرفت که فریاد الامان حزب اللهیها به آسمان بلند شده بود و هیچ حزب اللهی بفریاد حزب اللهی دیگر نمیرسید. تنها صدای "حزب الله عقب نشینی، حزب الله عقب نشینی" بود که شنیده میشد و چون موش های گور زخمی آنها سان که زنده ماندند به سوراخ های خود خزیدند. عقب نشینی از ما بود و فرار از آنها. از این منطقه ما دیگر به محلات بازنگشتیم و تا صبح روز هفتم، با زجندین جنگ مزدوران سیاهی را پاکسازی کردیم و در ساعت ۶ این عملیات به پایان رسید. با امنیت کامل به جنگل بازگشتیم. در طول تمام این مدت ارتشا مکاه روز بیش از ۶ ساعت فعالیت نداشت و در این ساعات نیز در حدود ۱۰ کیلومتری شهر. در این روزها فقط ۲ نفر از رفقای ما در نبرد با مزدوران خمینی به شهادت رسیدند که این عده رفقای تبریزیان شده ما را نیز در بر میگیرد. همه رفقائی که بلافاصله همان روز هفتم جلوی جوخه اعدام قرار گرفتند، رفقای زخمی ای بودند که تا آخرین گلوله در سنگرها یشان مقاومت کرده و جسم مجروحشان به چنگ آدمکشان رژیم سفاک خمینی افتاده بود. اینها بدون استثناء هرکدام یک یا چند زخم در بدن داشتند و به همین دلیل هم هیچکدام امکان سرپا ایستادن نداشتند و محربان عدل اسلامی خمینی آنها را بر صندلی نشانده اعدام کردند. اما رفقای ما در همان حالت دلیرانه و سینه سپر کرده رگبار جوخه اعدام را نیز پذیرا شدند، چرا که همان مستند بودند، در راه دفاع از خلق جان خود را بهیچ نگیرند و چنین کردند. اینان ستارگان همیشه تابان آسمان پیکار و مقاومت خلق دلاور ما یند. نام و یادشان جاودانه باد. ما در آینده زنده خواهیم ماند تک تک این رفقا را که مشحون از شور جانسازی در راه خلق، در راه زحمتکشان و در راه طبقه کارگر قهرمانان ایران است، در اختیار همگان خواهیم گذاشت. یکی از رفقای شهید ما را این جانیان شبکا رپیش چشم مردم زنده زنده سه پشت وانت بستند و در حالیکه با تها کشیدند و تکه تکه اش کردند نه تنها بلکه از ما و از خلق ما زهر چشم بگیرند. اما هیهات، چه دلجسب تقاص این جنایات را از آنان خواهیم گرفت. آن روز دور نیست. به شرافت سربداری سوگند که آن روز دور نیست. خون این دلیران را از زیر ناخن ها یشان بیرون خواهیم کشید. از سرنوشت خمینی خائن و دار و دسته اش عبرتی خواهیم ساخت برای همه مرتجعین آینده تاریخ.

در طول این جنگ ها تا آنجا که ما تاکنون توانسته ایم بشمریم حدود ۲۳۰ نفر از مزدوران سیاهی، بنسیجی، و حزب الهی به اضافه یک گشتی ۳ نفره انجمن اسلامی پلیس که میخواست به کمک بسیج بیاید، کشته شده اند و تعداد زخمی ها یشان بیش از ۵۰۰ نفر است.

... هرکتیبی که ما در آمل بدان دست زدیم نه تنها خود آمل و نه تنها مازندران و خطه شمالی که شامی ایران را تحت تاثیر قرار داد. و به دنیا نشان داد که فرزندان دلاور این خلق سا کجا ها فرنند در نبرد با این سا بندخائن و خونخوار پیشی بشا زند و حد نفرت مردم ما از این خائنین تبهکار تا کجاست. و ما این را میتوانیم با اطمینان کامل بگوئیم که امروز دیگر سربداران ایران در فکر و ذهن و قلب توده ئی بزرگ از مردم این کشور زیست میکنند و این دستاوردی است بس عظیم و توشه سازنده برای نبردهای عظیم تر ما در آینده با دستگاه فاسد و اهریمنی این نبیره ناپاک ضحاک و حجاج بن یوسف. و درست در تلاش بستن همین درهای امید و اعتماد توده بروی ماست که جباران و جاسوسان حاکم بر سرنوشت خلق، مدام از نا چیزی، نادانی، نابودی، عامل بیگانه بودن و... ما میگویند. پنجم بهمن، ششم بهمن میشود، بهمن نه ماه قیام خونین خلق، ماه "انقلاب شاه و مردم" میشود. تعداد ما به ۶۰ یا ۱۰۰ نفر محدود میگردد، مردم نه در کنار ما، که روبروی ما قرار میگیرند، همه کشته و اسیر میشویم و... بدون اینکه هرزه درایان دروغگو حساب کنند خود دچار چه تخیلات گوشی هائی گشته اند.

رفسنجانی ابله میگوید: "مردم آمل یکپارچه با ما بودند و اینها را بیرون ریختند. اگر سپاه و ارتش اینها را بیرون ریخته بودند برای ما اینهمه مایه خرسندی نبود و ما در کجا میتوانستیم ۶۰ نفر اینها را جمعی گیر بیاوریم (نقل بمعنی از صحبت های رفسنجانی در این مورد). و کسی هم نباید از او بپرسد که: اگر اینها جمعا ۶۰ نفر بودند و تمام مردم شهر هم با شما بودند سپاه و بسیج و حزب الله هم در صحنه بودند، تنوده ای و اکثریتی هم که بروال همیشگی شان دم در گاه قدرت دم می جنبانند، صدها نیروی سپاهی و نظامی هم در اطراف جنگل چند کیلومتری شهر در اختیار داشتید، دیگر چه لزومی داشت اینهمه نیرو از نور و بیشهر و محمود آباد و بابل و بابلسر و ساری و روستاهای منطقه به شهر بیاورید؟ اگر مردم با شما بودند و اینها هم ۶۰ نفر فراری، هادی غفاری دیوانه زاپاه ۳۰ نفر چما قدار مجنون چرا از تهران فرستادید؟ شما چه کسی را میخواهید گول بزنید؟ مردم را؟ هیهات. تنها میتوانید خود را با این دروغ های اسلامی شان دلخوش کنید و بکنید که آنچه با بسته است بر سرتان خواهد آمد.

سفیه بزرگ خمینی خائن میگوید: "... دیدید مردم آمل چه بروزتان آوردند"؟ و گله میکند که: "رسانه های گروهی دشمن از این موضوع (قیام آمل) گذشتند و هیچ نگفتند، اینجا که به نفع ما بود هیچ نگفتند".

خمینی درست همانند محمد رضا شاه در آخرین روزهای حیات نکبت بارش، خودش را به حماقت میزند، گوئی که این لازمه این برهه از زندگی جباران تاریخ است. او هم قیام دلاورانه مردم تبریز را، آشوب مشتی خارجی که شناسنامه ایرانی در جیب شان گذاشته بودند، میخواند. خمینی هم میخواهد وانمود کند که علت سکوت رسانه های گروهی

www.iran-archive.com

امپریالیستی در مورد قیام آمل، این بوده که قیام مسلحانه در رژیم اوباشه یافته است، اما خودش هم در مورد برخی از مسائل این قیام سکوت میکند. آیا اینهم بهمان دلیل است؟ سربداران ایران تاکنون چندین اعلامیه و اطلاعیه نظامی داده‌اند و اهداف و مواضع و خطوط تمایز خود با دیگر نیروهای سیاسی را روشن ساخته‌اند و اتحاد یه کمونیستهای ایران بصراحت اعلام داشته که این سازمان مبتکر و پایه‌گذار چنین جریانی دمکراتیک و انقلابی است و اینجا نیز اعلام میداریم که علیرغم پیوستن برخی از اعضاء و هواداران پاره‌ای گروه‌های دیگر به جریان سربداران، هنوز هیچیک از سازمانها و گروه‌های سیاسی ایران بطور تشکیلاتی در نهضت سربداران شرکت ندارند. اما با همه این تفاصیل خمینی، رفسنجانی، آن جوجه فاشیست سپاهی و همه عمال مظلمه هر چه میخواهند میگویند و هر کجا میخواهند سکوت میکنند.

راست این است که هم خمینی، هم کارگزاران در بار ولایت فقیه و هم رادیوهای امپریالیستی همه درباره این قیام سکوت کرده‌اند، چرا که این قیام و حرکت قیامگران سربدار به زیان تمامی آنهاست، نه که بسود دیگری. این قیام نه حرکت مشتی سلطنت طلب است که رادیو بختبار خیانتکار و رادیو وبیی جلاد و رادیو آمریکای جهانخوار برایش سینه چاک دهند، این قیام نه حرکت دار و دسته خمینی و ملایان خودفروش حاکم بر ایران است که رادیو مسکو و رادیو باکو و رادیو ملی برایش مدیحه سرائی کنند و جاسوسان شناخته شده و آبروباخته توده‌ای ـ اکثریتی برایش سنگر بکنند (کاری که در آمل و در خدمت سپاه پاسداران، فعالتر از هر حزب الهی میکردند)، این قیام نه حرکت حزب جمهوری اسلامی است که هر یک از قدرت‌ها و از قدرت‌های امپریالیستی منافع خود را در حاکمیت جناحی از آن ببینند و نقطه تلاقی امید همه جهانخواران شرق و غرب باشد. این قیام متعلق به طبقه کارگر قهرمان ایران، متعلق به زحمتکشان رنجدیده و غارت‌شده ایران و متعلق به تمامی مردم ایران است. این قیام متعلق به تمامی آنهائی است که استقلال میهن و آزادی خود را با هیچ چیز معامله نمیکنند و طبیعی است که هیچ یک از قدرت‌های امپریالیستی غرب و شرق برای خود امیدی در آن نبینند و در مورد آن سکوت کنند. آری، آقای خمینی، شما و آنها همه در برابر قیام آمل یک موضع دارید و یک رده دشمنان پلید و تبهکار مردم ما شید. و سکوت و یا وسرائیتان نیز برای مردم ما به یک اندازه بی ارزش است. نه کسی را فریب خواهد داد و نه راه امیدی برای شما خواهد گشود. قیامگران آمل راهی را آغاز کرده‌اند که به حکم تاریخ و به امر زحمتکشان این مرز و بوم باید تا پایان طی شود و نقطه پایانش نابودی حتمی شما تفاله‌های ننگین و عفونت گرفته عصر ما را لدینشاهی است.

پرچم پیروزی خلق بی تردید بر بام این میهن بلادیده افراشته خواهد شد و با زوی پرتوان سربداران ایران در افراشتن این پرچم نقشی بزرگ ایفا خواهد کرد. این پیمانی است که با تک تک شهیدانمان بسته‌ایم، و این دینی است که زحمتکشان این مرز و بوم به گردن ما دارند.

پیروز باد قیام مسلحانه سربداران ایران!
افتخار بر مردم دلاور آمل!
جاودان باد یاد شهدای قهرمان قیام آمل!
سرنگون باد رژیم خودکامه و تبهکار خمینی!